
درس پنجم: دماوندیه

شاعر: محمد تقی بهار

قالب: قصیده

دماوند: نماد آزادی خواهان جامعه و آگاهان خاموش جامعه است.

نوع ادبی: ادب پایداری.

مضمون اصلی شعر: دعوت به اعتراض و قیام نسبت به خفقان و استبداد حاکم بر اجتماع رژیم شاهنشاهی.

روان خوانی: جاسوسی که الاغ بود! از "قصه شیرین فرهاد" احمد عربلو

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) سریر ملک عطا داد کردگار تو را // به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد

ب) دردناک است که در دام شغال افتد شیر/ یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم

پ) تو قلب فسرده زمینی *** کافور بر آن ضماد کردند

ت) با شیر سپهر بسته پیمان *** با اختر سعد کرده پیوند

ث) خر سلانه سلانه راه می آید *** از گردش قرن ها پس افکند

ج) زین بی خردان سفله بستان

چ) از سیم به سریکی گله خود *** سرد و سیه و خموش و آوند

ح) برکش ز سر این سپید معجر *** بخروش چوشرزه شیر ارغند

۲. واژه صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.



الف) بخروش چو شرزه شیر (ارقند/ ارغند) ب) (سریر/ صریر) ملک عطا داد کردگار تو را

پ) کافور بر آن (ضماد/ ظماد) کردند ت) بر کش ز سر این سپید (معجر/ معجر)

۳. در بیت های زیر، ترکیب های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشت درشت روزگاری / از گردش قرن ها پس افکند

ب) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

۴. با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.

۱) چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خاموش و آوند

۲) ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند

الف) نقش کلمات مشخص شده را بنویسید

ب) ترکیب اضافی و وصفی را در هر دو بیت مشخص کنید.

پ) نوع «واو» را در مصرع دوم بیت اول مشخص کنید.

ت) ابیات را به لحاظ شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.

۵. نقش واژه های زیر را بنویسید. «مؤمن خدا! ما که باشیم که شما را سرکار بگذاریم.»

۶. نقش ضمیر «ت» را در بیت زیر بنویسید.

تا چشم بشر نیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند

۷. عبارات زیر را بخوانید و به سوال ها پاسخ دهید.

«حاج احمد آقا، دشمن (عن قریب/ عن غریب) است که / به به! دو تا پهلوان احمد! .. / این لگد آخری که احمد رضا

خان، به الاغ زد، (فغانی/ فغانی) بود.»

نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

قلمرو ادبی

۸. در بیت های زیر، استعاره ها را مشخص کنید.

الف) پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند

ب) از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند

پ) تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند

۹. بیت: «بر کن زین این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم بر کند» را به لحاظ ادبی بررسی کنید؛ سپس معنی آن را بیان کنید.

۱۰. بارزترین آرایه ادبی ابیات زیر را بنویسید.



الف) تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند (حسن تعلیل)
ب) تا چشم بشر نیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند (حسن تعلیل)
پ) تا واره‌ی از دم ستوران / وین مردم نحس دیومانند (موقوف المعانی با بیت بعدی)
با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند (حسن تعلیل)
۱۱. شعر های «دماوندیه» و «مست و هوشیار» را از نظر قالب مقایسه کنید.

۱۲. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.
* بکش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند
الف) مجاز بیت را مشخص کنید.
ب) ترکیب وصفی و اضافی بیت را مشخص کنید.
پ) کنایه های بیت را بیان کنید.
ت) معنی بیت را بنویسید.
ث) مخاطب شاعر در این بیت کیست؟
ج) مفهوم بیت را بنویسید.
چ) کدام واژه ها، نماد هستند؟ کبود اورند: نماد قدرت / سپید معجر: نماد ضعف

۱۳. ابیات زیر را در هر سه قلمرو بررسی کنید.
الف) با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند
ب) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند
۱۴. «مجاز» را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف: با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند
ب: ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه بخت فرزند
۱۵. آرایه ایهام را در ابیت زیر بررسی کنید.

الف: تا واره‌ی از دم ستوران / وین مردم نحس دیومانند
ب: تو قلب فسرده زمینی // از درد ورم نموده یک چند
پ: شو منفجر ای دل زمانه // وان آتش خود بنهفته میسند
ت: خامش منشین، سخن همی گوی / افسرده مباش، خوش همی خند
ث: پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان، شنو یکی پند
ج: گر آتش دل نهفته داری // سوزد جانت، به جانت سوگند

۱۶. روان خوانی: چند مورد از آرایه های مهم روان خوانی جاسوسی که الاغ بود!
از دیوار راست بالا رفتن: کنایه از کار دشوار کردن *** روی حرف کسی حرف نزدن: کنایه از مطیع اوامر کسی بودن و احترام گذاشتن به کسی *** کاجی به از هیچی: ضرب المثلی که کنایه از هر چیز کم و ناقص بهتر از هیچ است. با یک کاسه ماست از آب دریاچه دوغ درست کردن: ضرب المثل و کنایه از کار غیر ممکن و بسیار سخت.
دنبال نخود سیاه فرستادن کسی: از سر باز کردن کسی به بهانه ارجاع به کاری بیهوده *** سرکار گذاشتن: به کار بیهوده مشغول داشتن کسی *** کار دست کسی دادن: کنایه از باعث اذیت و گرفتاری کسی بودن *** چهار نعل دویدن: کنایه از با سرعت دویدن *** چیزی را بر باد دادن: کنایه از نیست و نابود کردن چیزی *** شاخ در آوردن: کنایه از تعجب کردن زیاد / دل توی دل کسی نبودن: کنایه از آشفته بودن و اضطراب داشتن.

قلمرو فکری

۱۷. مقصود شاعر از «دماوند» و «سوخته جان» در شعر دماوندیه چیست؟
۱۸. معنی و مفهوم و آرایه های بیت زیر را بنویسید.
* بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز پی این نژاد و پیوند
۱۹. در شعر دماوندیه، علت سرودن بیت «نی نی تو نه مشت درشت روزگاری / ای کوه نی ام ز گفته خرسند» توسط شاعر چیست:

۲۰. معنی بیت «تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند» را بنویسید.

۲۱. مفهوم مشترک سروده های زیر را بنویسید.

الف: شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند

ب: دلا خموشی چرا؟ / چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

۲۲. الف) در بیت زیر شاعر از دماوند چه می خواهد؟ ب: منظور از دماوند در قصیده «دماوندیه» چه کسانی هستند؟

بر کش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند

۲۳- در بیت «خامش منشین، سخن همی گوی / افسرده مباش، خوش همی خند» منظور از «افسرده مباش» چیست؟

۲۴. مفهوم ابیات زیر را بیان کنید.

الف) بگرای چو اژدهای گرز / بخروش چو شرز شیر ارغند

ب) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت، به جانت سوگند

پ) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

درس سوم: آزادی / دفتر زمانه

قلمرو زبانی

- الف: خانه غم و اندوه، ماتمکده (ب) شیوه و روش (پ) طرف: کناره، کنار
- الف: (قید / مفعول / قید) ب: (مسند / مسند)
- مسلك: هسته / مرغ: وابسته (مضاف الیه) (گرفتار: صفت مضاف الیه) (قفس: مضاف الیه مضاف الیه)
- الف) (آن جامه در نقش نهاد به قرینه لفظی حذف شده. که آن جامه ننگ تن و کم از کفن است.)**
(ب) واژه فکری به عنوان مفعول، در مصرع دوم بنا به قرینه لفظی حذف شده. (که هر کس فکری نکند).
- کل مصرع دوم: نهاد است. که محترم نیز نقش مسند آن را دارد. / (در ضمن، نهاد مصرع دوم هم محسوب می شود.)
- نقش «ش» مفعول است.
- آن جامه حذف به قرینه لفظی است. در نقش نهاد
- نهاد: «هر کس که فکر جامه را محترم نداشت»
- ربط (پیوند)

قلمرو ادبی

- اشاره به داستان حکومت چهل روزه یکی از جنیان به نام «صخر» به جای سلیمان با ربودن انگشتر حکومت او: تلمیح / سلیمان، اهریمن: تضاد
- غرقه به خون شدن: کنایه از کشته شدن** کم از کفن بودن: کنایه از بی ارزش بودن.
- الف) دلم: مجاز از وجودم*** (ب) کم و بیش: تضاد / واج آرایبی صامت «م» / تکرار: غم // کم و بیش: بیش و کم: طرد و عکس / غم: کم: جناس ناهمسان.
- مس وجود: اضافه تشبیهی / کیمیای عشق: اضافه تشبیهی / تشبیه: مانند کردن «تو» به «مردان حق» / مانند کردن «تو» به «زر»: تشبیه*** مردان ره: مجاز از اولیاء الله (انسان کامل) / دست شستن: کنایه از ترک کردن / زر شدن: با ارزش شدن و متعالی شدن / واج آرایبی مصوت «ی» / مس و زر: تضاد مفاهیم / مراعات نظیر.

۱۴. الف) کنایه از عدم سرخوشی * (ب) جام: جم: جناس ناهمسان (افزایشی) ** من: می: جناس ناهمسان (اختلافی) ** با، ما، با: جناس ناهمسان (اختلافی) * (پ) حرف اضافه در معنی «برای» * (ت) واو عطف * (ث) تهی: مسند/ فراغتی: نهاد.
۱۵. الف: عارفان *** ب: سر: مجاز از فکر **** پ: کنایه از فروتنی کردن *** ت: مفهوم: پیروی از عارفان واقعی موجب رسیدن به معشوق ازلی.
۱۶. الف: مرغ اسیر: استعاره از شاعر (عارف قزوینی) / مرغ: در مصرع دوم در معنای حقیقی بکار رفته است ** (ب) مرغ اسیر: شاعر **** (پ) ناله: نهاد / من: متمم: (همچو من) برای فعل «است»، نقش «مسند» دارد.

قلمرو فکری

۱۷. احترام گذاشتن به اندیشه جامعه
۱۸. احترام به عقاید و افکار عمومی مردم.
۱۹. عدم وابستگی به بیگانگان
۲۰. چون شاعر غم و غصه کم و زیاد داشتن را نمی خورد و انسان قانعی بود.
۲۱. شاعر (عارف قزوینی)
۲۲. انسان های آگاه و روشنفکر
۲۳. موافق * ثابت قدم * عدالت خواه.